

احكام و تعاليم فردى - شهادت بانفاق دم و شهادت بخدمت

حضرت بهاء الله



شهادت بانفاق دم و شهادت بخدمت

حضرت بهاء الله:

1 - " يا ابن الوجود استشهد في سبيلي راضيا عني وشاكرًا لقضائي لتستريح معي في قباب العظمة خلف سرادق العزة "

(كلمات مكنونه عربي، 45)

2 - " يا ابن الإنسان فكر في أمرك وتدبر في فعلك أتحب أن تموت على الفراش أو تستشهد في سبيلي على التراب وتكون مطلع أمري ومظهر نوري في أعلى الفردوس فانصف يا عبد " (كلمات مكنونه عربي، 46)

3 - " يا ابن الإنسان وجمالي تخضب شعرك من دمك لكان أكبر عندي عن خلق الكونين وضيء الثقلين فاجهد فيه يا عبد "

(كلمات مكنونه عربي، 47)

4 - " والذين استشهدوا في سبيل الله في هذه الأيام أولئك من أعلى الخلق كانوا أن يذكروا الله جهرة بحيث ما منعهم كثرة الأعداء عن ذكر الله بارئهم إلى أن استشهدوا وكانوا من الفائزين " (ص 17 ج 3 امر وخلق)

5 - " أشهد يا محبوبي أن الشهادة في سبيلك كانت أمل أنبيائك وأمناك قد نطق بذلك نقطة البيان الذي استشهد في سبيلك وقال وقوله الحق يا بقیة الله قد فديت بكلي لك ورضيت السب في سبيلك وما تمنيت إلا القتل في محبتك "



TABLET

(ص ۱۵ ج ۳ امر و خلق)

6 - " لعمر الله دنیا را شأنی نبوده و نیست . بگو شهادت را مقامی است بزرگ و شأنی است رفیع . نصیب هر کس نشود از اکسیر اعظم نایاب تر و بمثابه عنقا اسم مذکور و رسم مستور بل مفقود . لو عرفوا لسرعوا ولو شاهدوا لأنفقوا . إنا سترنا هذا المقام عن الأبصار لحفظ من على الأرض إنه يهدي من يشاء إلى ما أراد لا إله إلا هو المقتدر القدير " (ص ۷۰ ج ۶ آثار قلم اعلی)

7 - " اگر سړی از اسرار بلایای فی سبیل ذکر شود جمیع رایگان قصد میدان نمایند و شهادت طلبند "

(ص ۳۱ ج ۷ آثار قلم اعلی)

8 - " باید شهادت را در سبیل دوست فوز عظیم شمرد اگر واقع شود نه آنکه خود را در مهالک اندازند چه که در این ظهور کلّ به حکمت مأمورند " (ص ۱۱۰ ج ۳ امر و خلق)

9 - " سبحانه سبحانه از او میطلبم عباد خود را مؤید فرماید بر دو امر بزرگ بعد از عرفان ذات مقدّس و ستقامت بر آن عبراتی که از خشية الله نازل شود قطرات دمی که در سبیلش بر خاک ریزد . این دو امر لازال لدی العرش مقبول بوده و هست و چون ثانی نهی شد ثالثی بر مقامش نشست و آن انفاق عمر است در سبیل شناسائی او بشناسد و بشناساند "

(ص ۱۲۳ ج ۴ مائده آسمانی ط ۱۲۹ بدیع)

10 - " این شهادت محدود به ذبح و انفاق دم نبوده چه که میشود انسان با نعمت حیات از شهداء در کجاب مالک اسماء ثبت شود " (ص ۲۱۳ ج ۴ مائده آسمانی ط ۱۲۹ بدیع)

11 - " هر نفسی از ما عنده بگذرد و بما عند الله ناظر باشد یعنی ملعب ظنون و اوهام خود واقع نشود و باراده حضرت یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید متمسک او از شهدا محسوب ولو یمشی و یا آکل " (ص ۴۰ ج ۸ مائده آسمانی ط ۱۲۱ بدیع)

12 - " آیا سزاوار است آنکه حبیب از لقای محبوب احتراز نماید و از ایثار جان در سبیل جانان محزون گردد ؟ لا و نفسی الحقّ ولكنّ الناس أكثرهم لا یعرفون " (ص ۶۱۸ ج ۱ ریحیق محتوم)

حضرت عبدالبهاء:

1 - " احبای الهی را بموهبت شهادت بشارت دهید که شهیدان سرور عاشقانند و سالار مشتاقان . هر یک در ملکوت ابهی بر سریر سلطنت ابدیه جالس و به یالیت قومی یعلمون ناطق اگر خلق بدانند که چه مقامی از برای آن جانهای پاک مقرر البتّه دمی نیاسایند و خود را بالایش دنیای فانی نیالایند و موی مشکبوی خویش را بخون پاک بیالایند ولی چه فایده که آن مرده در دلها جلوه نموده و علیک التّحیّة والثناء ع " (ص ۲۲ کتاب نار و نور)

و در لوح جناب حاجی ابو طالب همدانی (عشق آبادی) که آرزوی شهادت مینمود میفرماید :

2 - " هو الأبهی ای مستضی از انوار شمس حقیقت از قرار مسموع بل از آثار مشبوت بل استغفرالله مشهود و مشهور که آن بنده حمال مقصود را پیراهن تنگ است و بقا در بدن و تن عار و ننگ شب و روز آرزوی جانفشانی دارند و هوای آتش فشانی و لثالی افشانی . مقام فدا بسیار مقبول و مطلوب ولی الیوم باید چنان بود که در هر ساعتی شهید گشت و در هر دقیقه ای هزار جان فدا نمود . اما شهادت ، یکدفعه جان باختن و تا فضای اوج اعظم تاختن است ولی خوشتر آنکه در این بساط بکمال فرح و انبساط هر آن صد هزار جان فدا نمود و بخدمت امر حضرت احدیّت قیام کرد و بمیدان بسالت و هدایت بتاخت و جنود ضلالت و ظلمت را بانوار مشرق احدیّت متشتت کرد و صفوف سپاه غفلت را در هم شکست و صف جنگ روحانی بیاراست و سپاه معانی ترتیب داد و علم دانائی برافراخت و هجوم شدید بر لشکر جهل و نادانی نمود و چون از این رزم مظفر عودت گردید عزم بزم ملکوت ابهی کرد با کوس و حشم و چتر و علم حرکت نمود و با کمال بشارت عنایات بملکوت ابهی با کوس و آیات ظفر و فتح و رایات نصرت و غلبه شتافت . این خوشتر و دلکش تر است .
عبدالبهاء عبّاس "

(ص ۷۷ ج ۹ مائده آسمانی ط اول)